

منفعت ملی؛ خنجر زهرآگین!

(ترجمه)

مسلمانان منفعت ملی را نباید من حیث یک منفعت سیاسی بشناسند. منفعت سیاسی اصطلاح کامل است که در ثقافت اسلام داخل بوده و با اسلام موافقت دارد. لذا ما هیچ کتابی را در فقه اسلامی سراغ نداریم که باب و یا فصلی را در مورد ملیت و یا قومیت داشته باشد و یا این مفهوم را تأیید کرده باشد. هم‌چنان در هیچ یکی از نصوص شرعی و لغت عرب وارد نشده که مفهوم ملیت مورد توجه قرار گرفته باشد؛ زیرا معنی "وطنیت" که در زبان فارسی آن را ملیت می‌گوئیم، به معنی "سکن و اقام" یعنی مسکن‌گزین و مقیم می‌باشد. گفته می‌شود "وطن فلان بالمکان" یعنی فلانی در این جا ساکن و مقیم گردید و فلان مکان را برایش محل زندگی قرار داد اگر با دقت به این معنی نگاه کنیم، در می‌یابیم که هیچ رابطه‌ای بین قوانین و ارزش‌های سیاسی که دولت قطر برای منافع مردم و خواسته‌های شهروندان اتخاذ می‌کند و بین این مفهوم وجود ندارد.

ما شاهد تغییرات و تبدیلات این قوانین در زندگی طبیعی خود در پی انقلاب‌ها و سقوط ایدئولوژی‌ها هستیم؛ به گونه‌ی مثال؛ ملت اروپا بر ضد ظلم حکومتی که محصول تباری و سازش کلیسا با پادشاهان بود، نظام سیاسی جدیدی را ایجاد کرد که بر عقیده جدائی دین از زندگی بنا یافته و از آن یک نظامی بیرون شد که این نظام سیاسی هیچ رابطه‌ای با وطن، خاک و جغرافیه یعنی کوه‌ها، دشت‌ها و دریاها نداشت؛ بلکه این نظام سیاسی از عقل و افکار مردم و آنچه بر آن توافق داشته‌اند و برای منافع شان تعریف کردند، بیرون شد.

این مورد در خصوص مردمی است که در برابر دین تحریف‌شده‌ی شان انقلاب کردند و در برابر آن به جنگ ایستادند؛ اما امت اسلامی در این قضیه باید چه موقف اتخاذ نماید! هم‌چنان انقلاب بلشویک‌ها یک نظام کمونیستی برگرفته از افکار مردم با در نظر داشت همان وقت و زمان ایجاد نمودند و سپس بعد از ظهور فساد مفکوره کمونیستی و ناتوانی‌اش از بین رفت و یک سیستم و بسته دیگری از منافع دیگری قرار داشت که متناقض آنچه گذشت، ایجاد گردید که این سیستم نیز به دور از ارزش‌های جغرافیائی و ملی بود.

لذا به تأکید گفته می‌توانیم که منفعت ملی یک اصطلاح غلطی است که در میدان واقعیت وجود نداشته، بلکه این اصطلاح به مفهومی اطلاق شده که هدف بسیار دوری از وطن و مسکن در نزد ملت‌هایی دارد که بر ضد دین و نظام سیاسی شان انقلاب کردند. این اصطلاح با اختلاف حدود و جغرافیای دولت و نتیجه منافع آن‌ها تغییر می‌یابد و حسب منافع شان تصمیم گرفته می‌شود که یک پارچه باشد و یا تقسیم گردد، توافق به صلح باشد و یا جنگی داخلی؛ چنانچه همین اکنون در مناطق مورد اختلاف بین روسیه و اوکراین و بین چین و تایوان همین حالت است؛ تایوان که همه‌اش در حقیقت یک سرزمین بوده است.

وقتی ما با استفاده سیاسیون و صاحبان صلاحیت و قانون‌گذاران در مورد مفهوم منفعت ملی دقت کنیم، خود را در برابر یک تناقض و پراکندگی در خصوص استعمال این اصطلاح می‌یابیم و این ابهام و تناقض وجود دارد؛ مگر این که در معیارها و تعامل با مفهوم منفعت ملی یک برخورد دوگانه را متقبل گردیم.

بناءً ممکن است که بگوئیم مفهوم منفعت ملی، خلاصه به اهداف دولت و خواسته‌های آن می‌شود؛ خواه این خواسته‌ها و اهداف اقتصادی باشد یا نظامی و یا فرهنگی. با مشخص کردن این اهداف سیاست‌های داخلی و روابط بین‌المللی ترسیم می‌گردد که قوانین خود را از واقعیت، امکانات و دیدگاه‌اش می‌گیرد؛ چنانچه هر دولتی تلاش می‌کند برای تحقق منفعت ملی خود که تعلق به

منطقه، جغرافیای مشخص با حدود بین المللی اش و قوانین خود را از واقعیت دولت، امکانات و دیدگاه اش گرفته عیار سازد. پس منفعت ملی مجسم نمودن یک مکتب واقعیت گرائی در چهارچوب سیاست است.

وقتی ما در مورد اصطلاح ملی از منظر سیاسی نگاه کنیم، در می یابیم که این اصطلاح یک اصطلاح سرمایه داری است که به هیچ ارزشی غیر از منفعت مادی قائل نمی شود. متأسفانه بذر این اصطلاح بعد از پارچه پارچه شدن سرزمین های اسلامی و تقسیم آن به دولت های کوچک و ضعیفی نهادینه شد که باز یچۀ دست دیگران هستند. اصطلاح ملی در سرزمین های اسلامی با مکر استعماری و با دست استعمارگران کینه توز به تبدیل نمودن رابطه ملی متعصبانه و منحط - که کم ترین سطح فکری و رابطه به دین ندارد - به نصب کردن رهبری سیاسی اجیر غرب که دشمن ملت شان است می پردازد.

وقتی این اصطلاح را در چوکات شریعت قرار دهیم، در می یابیم که این اصطلاح خطر بسیار بزرگی با دین و حیات مسلمانان دارد:

اول) اولین خطر این اصطلاح یک خطر عقیدوی است؛ زیرا عقیده اسلامی اعطای حقوق و مشخص کردن واجبات را بر هرکسی که تابع دولت اسلامی باشد، به خاطر انجام اوامر الله سبحانه و تعالی بر اساس وحی لازم نموده است. کسی که حقوق، واجبات و تکالیف را برای بندگان مشخص و تعیین نموده تنها الله سبحانه و تعالی بوده و این ارزش ها بر اساس خاک و وطن نمی باشد. پس حقوق با اختلاف سرزمین ها فرق نکرده و با اختلاف جغرافیا ساقط نمی شود. لذا آنچه حق مسلمان است و آنچه بر مسلمان واجب است به اساس دلیل شرعی ثابت شده نه به اساس دلیل جغرافیائی و سیاسی.

دوم) خطر دوم منفعت ملی خطر منهجی در طرز تفکر مسلمان است؛ زیرا منهج مسلمان در طرز تفکر و تصمیم اش موقوف بر حکم شرعی بیرون آمده از دلیل شرعی و مقیید بودن بر آن است. اصل در افعال مقیید بودن بر حکم شرعی است. پس دیدگاه ملیت در تناقض با حکم شرعی قرار دارد که در محور واقعیت های جغرافیائی و سیاسی می چرخد که این محور دور از حلال، حرام و دور از تعظیم اوامر الله سبحانه و تعالی بوده و در حقیقت یک دروازه ورودی به شکستن و از بین بردن حکم رب العالمین است. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ [احزاب: 36]

ترجمه: و هیچ مرد و زن مؤمنی را نسزد که چون الله و رسولش به کاری فرمان دهند، برای آنان در کارشان اختیار باشد؛ هرکس الله و رسولش را نافرمانی کند به گمراهی آشکار گرفتار شده است.

هم چنان یکی از قواعد اساسی در فکر اسلامی اینست که دین الله سبحانه و تعالی برای تحقق منافع بندگان آمده، چنانچه الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [اعراف:

[96]

ترجمه: اگر مردم آن شهرها ایمان می آوردند و پروا پیشه می کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آن ها می گشودیم؛ ولی پیام های هدایت ما را دروغ شمردند؛ پس به عواقب آنچه همواره انجام می دادند گرفتارشان کردیم.

هم‌چنان الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ [طه: 124]

ترجمه: و هرکس از یاد من روی بگرداند، مسلماً زندگی سختی خواهد داشت و روز قیامت او را کور محسور خواهیم کرد.

پس منافع مسلمانان در این است که یک امت هستند و ملیت آن‌ها را جدا کرده نمی‌تواند.

هم‌چنان یکی دیگر از جمله قواعد اساسی این است که تعیین منافع از جانب شریعت بوده، نه از جانب عقل. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [بقره: 216]

ترجمه: قتال بر شما نوشته شد؛ در حالی که آن را خوش ندارید و چه بسا چیزی را دوست ندارید و خیر شما در آن است و چه بسا چیزی را دوست دارید که به ضرر شما است و الله می‌داند و شما نمی‌دانید.

پس هر جا که شریعت باشد، مصلحت و منفعت هم در همان است؛ نه عکس آن. لذا هیچ کسی نمی‌تواند دین الله سبحانه و تعالی را متهم به ضایع ساختن منافع نماید.

سوم) سومین خطر منفعت ملی خطر مبدئی است؛ زیرا مبدأ عقیده‌ای است که باید حفاظت شده و الله سبحانه و تعالی از منظر همین مبدأ پرستش گردد، نظامی است که باید تطبیق گردد و رسالتی است که باید حمل شود. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ [فتح: 28]

ترجمه: اوست که رسولش را با هدایت و آئین حق فرستاد تا آن را بر همه آئین‌ها آشکار سازد و گواه بودن الله بر این امر کافی است.

پس ملیت عقیده را نقض نموده و شرع را تعطیل و رسالت را ضایع می‌سازد.

چهارم) منفعت ملی خطرهای سیاسی دارد. تعدد رژیم‌های سیاسی اختلاف منافع و تناقضات منافع را ایجاد می‌کند؛ چیزی که باعث تفرقه بین مسلمانان شده و این خودش یک عمل منکر کلان و گناه بزرگی است. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [آل عمران: 105]

ترجمه: و هم‌چون کسانی نباشید که پس از نشانه‌های روشنی که بر آن‌ها آمد، پراکنده شدند و اختلاف ورزیدند، چنین کسانی که بر آن‌ها عذاب عظیم است.

لذا بدون تردید ملیت از اعمال متعصبانه بدبوی و زشت است. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«دعواها فانها منتنة؛ آن را ترک کن؛ زیرا او بدبوی است.»

همچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«لَيْسَ مِنْ دَعَا إِلَى عَصَبِيَّةٍ وَلَيْسَ مِنْ قَاتَلَ عَلَى عَصَبِيَّةٍ وَلَيْسَ مِنْ مَاتَ عَلَى عَصَبِيَّةٍ»

ترجمه: کسی که به عصبیت دعوت کند، از ما نیست! کسی که به عصبیت بجنگد، از ما نیست و کسی که به عصبیت بمیرد از ما نیست!

عصبیت ملی مادر تمام فسادها و جمع کننده تمام شرها می باشد که حرمت آن حرمت بسیار شدیدی است. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ! اللَّهُ اللَّهُ، أَبَدَعُوا الْجَاهِلِيَّةَ وَأَنَا بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ بَعْدَ إِذْ هَدَاكُمْ اللَّهُ إِلَى الْإِسْلَامِ، وَأَكْرَمَكُمْ بِهِ، وَقَطَعَ بِهِ عَنْكُمْ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ، وَاسْتَنْقَذَكُمْ بِهِ مِنَ الْكُفْرِ، وَأَلْفَ بِهِ بَيْنَكُمْ، تَرْجِعُونَ إِلَيَّ مَا كُنْتُمْ عَلَيْهِ كُفَّارًا؟»

ترجمه: ای گروه مسلمانان! از الله بترسید، آیا بعد از این که الله سبحانه و تعالی شما را به اسلام هدایت کرده و به وسیله اسلام شما را اکرام نموده و توسط اسلام جاهلیت را از شما دور ساخته و از کفر شما را نجات داده و شما را به وسیله اسلام یک پارچه و هم دل ساخته، به جاهلیت فرا می خوانید؛ در حالی که من در بین شما هستم! و پس به همان حالت کفر خود بر می گردید؟! همچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«لَيَنْتَهِيَنَّ أَقْوَامٌ يَفْتَخِرُونَ بِآبَائِهِمُ الَّذِينَ مَاتُوا، إِنَّمَا هُمْ فَحْمٌ جَهَنَّمَ، أَوْ لَيَكُونَنَّ أَهْوَنَ عَلَى اللَّهِ مِنَ الْجُعَلِ الَّذِي يَدْهُدُهُ الْخِرَاءَ بِأَنْفِهِ. إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ عِبِّيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَفَخَرَهَا بِالْأَبَاءِ»

ترجمه: باید افتخار به پدران تان را که مرده اند به پایان برسانید؛ زیرا آنان آتش گیره دوح هستند، در غیر آن کسانی که به پدران شان افتخار می کنند از حشره ای که مرداری انسان را به بینی خود لور می دهد، خارتر است یقیناً که الله سبحانه و تعالی لباس جاهلیت را از تن شما بیرون نموده و افتخار جاهلیت به پدران را نیز از شما دور ساخته است.

یقیناً ملیت پرستی منفور در واقعیت زندگی ما، ثمر زهرآگین خود را رسانده که ما طعم تلخ آن را هر لحظه می چشیم و امروزه بهترین امت را مانند کف دریا می بینیم که هیچ سیادت، تصمیم گیری، عزت و کرامت ندارد. امروزه ما شاهد غارت ثروت ها، فقر، گرسنگی و محروم بودن مسلمانان هستیم. ما شاهد خون های هستیم که به ناحق می ریزد. حرمت شکنی مقدسات مباح شده؛ اما ما ساکن و بی حرکت هستیم. امروزه کشتارهای وحشیانه و ویران گر در غزه به قضیه غزه تبدیل شده و آن را ذلیلانه به یک قضیه قومی و قدس را به قضیه فلسطینی تبدیل نمودیم؛ درحالی که الله سبحانه و تعالی فرموده است:

«وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» [انفال: 72]

ترجمه: اگر از شما در دین یاری خواستند بر شما واجب است؛ مگر آنکه علیه قومی باشد که میان شما و آن ها پیمانی باشد؛ مسلماً الله به آنچه می کنید بیناست.

وهمچنان فرموده است:

﴿إِلَّا تَنْفَرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [توبه: 39]

ترجمه: اگر رهسپار نشوید شما را عذابی دردناک گرفتار می‌کند و قومی دیگر را جایگزین شما می‌سازد و شما هیچ زیانی به او نمی‌رسانید و الله سبحانه و تعالی بر هر چیزی توانا است.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«المسلم أخو المسلم لا يظلمه ولا يُسلمه، مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ، وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ بِهَا كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

ترجمه: مسلمان برادر مسلمان است، به آن ظلم نکرده و آن را به دشمن تسلیم نمی‌کند؛ کسی که در پی برآورده کردن حاجت برادرش باشد، الله سبحانه و تعالی در پی برآورده نمودن حاجت آن می‌باشد. کسی که غمی را از مسلمانی دور سازد، الله سبحانه و تعالی غمی از غم‌های روز قیامت وی را دور می‌کند.

هم‌چنان فرموده است:

«مَا مِنْ أَمْرٍ يَخْذُلُ أَمْرًا مُسْلِمًا فِي مَوْضِعٍ تَنْتَهَكَ فِيهِ حُرْمَتُهُ وَيَنْتَقِصُ فِيهِ مِنْ عَرْضِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي مَوْطِنٍ يُحِبُّ فِيهِ نَصْرَتَهُ»

ترجمه: مسلمان، مسلمان دیگر را در جایی که هتک حرمت می‌شود و آبرویش از بین برده می‌شود و با حمایت نکردنش آن را خوار می‌کند، الله سبحانه و تعالی نیز آن را در جایی که دوست دارد که یاری و کمک شود آن را خوار می‌کند.

منفعت ملی دلیل پشت کردن به غزه، چتر عیب‌پوشی اجیران و وسیله توجیه برای خائنین قرار گرفته است. در حق اهل ما کوتاهی صورت گرفته و مآشاهد کشتارهای اطفال، پیرمردان، مریضان، قتل اسیران و تعذیب‌شان و شاهد از بین بردن درختان، سنگ‌ها و تمام اسباب زندگی هستیم، اما همه این کوتاهی‌ها در زیر پرده منفعت ملی منفور پوشیده می‌شود!

قسم به الله سبحانه و تعالی این منفعت ملی نیست؛ بلکه منفعت تاج و تخت است؛ منفعت نظام‌های مزدوری است که خون، آبرو و مقدسات مسلمانان را به بهای اندکی به فروش رسانده اند. به بهای خیانت نظام‌های مزدور و دست‌ساخته‌های استعارگر.

14 ذوالقعدة 1445 ه.ق.

22 می 2024 م

نویسنده: استاد سعید رضوان ابوعماد

مترجم: مصطفی اسلام